

ابراهیم عثمان‌اف

پیرامون رسانه‌های خصوصی

«قانون درباره مطبوعات» دومین قانون حاکمیت شوروی با هدف تأمین آزادی حقیقی مردم شوروی و اندیشه‌های سیاسی آن، آزادی برای همان زمان واقعی مطبوعات را برهم داد. اما به هر حال در اولین سالهای حاکمیت شوروی دهها و صدها روزنامه گوناگون موضوع، آشکار و پنهانی منتشر می‌شد که در حیات دولت شوروی باعث هرج و مرج می‌شد. هرج و مرج حالتی است که هر نیروی سیاسی، هر گروه و حتی شخصیت سیاسی، دست‌درازی و یا تعدی به خود را تهدید آزادی قلمداد می‌کند و سرپیچی از قانون را آزادی می‌پندارد. این حالت باعث نگرانی دولتمداران شده و در نتیجه برای جلوگیری از حالت هرج و مرج اقدام به اعمالی می‌کنند که مهمترین آنها سانسور است. در زمان شوروی علاوه بر سانسور، سیستم تک‌حزبی سدّ مستحکمی در برابر این جریان بود و بر همین منوال سیستم مطبوعات حزبی- شوروی به وجود آمد که فراگیر گردید.

«پلورالیسم» که در زمان گورباچف معمول شد، در وهله نخست به مسئله آزادی سخن و وجدان ارتباط داشت و حذف سانسور در این مرحله، مسئله را به طور کامل نمی‌توانست حل کند. از این رو لازم بود که در قانون اساسی تغییرات جدی‌تر وارد شده، رهبری حزب کمونیست در جامعه محدودتر گردد و در واقع حزب کمونیست، تنها حزب حاکم، یگانه واسطه اخبار عموم نباشد. انجام این کار «از پایین به بالا» ممکن نبود، بلکه می‌بایست در سطوح بالا، در داخل حزب و مطبوعات مرکزی حزبی مسئله بررسی و حل و فصل شود. این کار به آهستگی و با مناظره‌های داخل حزبی که در صفحات روزنامه‌های

«پراودا» (Правда)، «ایزویستیا» (Известия)، «کامسامولسکیه پراودا» (Комсомолская правда)، «لیتراتورنیه گزیتیه» (Литературная газета) و «آرگومینتی ای فکتی» (Аргументы и факты) نشر می‌شد، از تردید به حاکمیت میان‌لنین و استالین آغاز گردید. بدین ترتیب، به عدالت اجتماعی و حفظ حقوق عمومی، آزادی وجدان و بیش از همه به آزادی عقیده و بویژه عقاید اسلامی، که از جهت نفوس دومین عقیده پرجمعیت رایج در شوروی بود، و به حقیقت دوستی خلق‌ها و حقوق انتخاب ملی تردید به وجود آمد. تمام اینها از خود مطبوعات رسمی صورت گرفت و بیگانگی مطبوعات رسمی از اصل خود آغاز یافت. مثلاً در شرایط تاجیکستان نشریه‌هایی چون «تاجیکستان ساویتی» (ناشر افکار کمیته مرکزی حزب کمونیست تاجیکستان، شورای عالی و شورای وزیران تاجیکستان)، «کومسومول تاجیکستان» (ناشر افکار کمیته مرکزی جوانان تاجیکستان)، «سخن» (نشریه اتفاق روزنامه‌نگاران تاجیکستان)، پرچمدار ضد سیاست رسمی استقلال دینی و ملی بودند.

در زمان مبارزه برای کوتاه نمودن دست رهبری حزب از واسطه‌های اخبار عمومی، راه دیگر به اصطلاح آزادی کامل به وجود آمد؛ واسطه‌های اخبار عامه پورنوگرافی، لطیفه‌گویی و... پیدا شد. لطیفه‌ها این وظایف را ایفا می‌کردند: اربابان سیاسی و سیستم سوسیالیستی را مسخره می‌کردند، سخنان عریان و تحقیرآمیز داشتند. در تاجیکستان مثلاً فیلم‌های ویدئویی مخصوصی پیدا شد که در شهرها مردم به طور پنهانی و گروه گروه تماشا می‌کردند، از طریق تلویزیون اینها به خانه‌ها می‌رسیدند. همه این پدیده‌ها جوانان را به زشت‌گویی و فساد اخلاق می‌بردند. همه این پدیده‌ها سیلاب جدید زوال حکومت بود که به جامعه می‌آمد و جامعه پیشین را با همه نیک و بدش می‌بلعید.

این ترفند از رهبران سیاسی آغاز می‌شد که برای به سر قدرت آمدن تلاش می‌کردند

و مانند طوفان همه جا را فرا گرفته بود و به سوی نابودی پیش می‌برد.

در نتیجه همین تلاش‌ها و گیر و دارها، در قانون اساسی شوروی، ماده ۶ قوه مطلق رهبری حزب کمونیست لغو شد و لایحه قانون مطبوعات به میان آمد که سانسور را منع می‌کرد و امکان تأسیس مطبوعات را به ندرت محدود می‌نمود. در همین ایام (سال ۱۹۹۰) قانون مطبوعات و دیگر واسطه‌های اخبار عموم تصویب شد که معیارهای در ماده ۸ «حقوق تأسیس دادن واسطه‌های اخبار عموم» حق به میان آوردن اخبار و سایر معیارهای تعیین‌کننده‌اش با طلبات آزادی سخن مساعدت می‌کردند. قبول قانون مطبوعات چنین معنی داشت که در اواخر سال ۱۹۹۰، اندکی پیش از فروپاشی اتحاد شوروی در تاجیکستان، سیستم مطبوعات حزبی و شوروی از میان رفت و زمینه برای تأسیس مطبوعات خصوصی به وجود آمد. اما سال ۱۹۹۱ عملاً در تاجیکستان مطبوعات خصوصی به میان نیامد.

این امر از آن جهت بود که در تاجیکستان در سال ۱۹۹۱ سرمایه‌داران نبودند. در سیاست تاجیکستان نیز هنوز سرمایه‌گذاری رواج نداشت، زیرا جهت سیاسی کشور بدین سو معین نشده بود. این عوامل علل اساسی عدم ظهور مطبوعات خصوصی بودند. هنگام بحران سیاسی ماههای سپتامبر و اکتبر سال ۱۹۹۱ در میدان آزادی، روزنامه «پیام حق» پا به عرصه ظهور نهاد که آن را نمی‌توان به عنوان روزنامه شخصی شناخت. «رستاخیز» نیز آن ایام ویژگی خصوصی نداشت. همچنین «دنیا» که دو تن از رستاخیزیان آن را به عنوان نشریه خصوصی ثبت کردند و در سه شماره نشر شده‌اش، خصوصی نامیده می‌شد، اصلاً ادامه «رستاخیز» بود. این دو نشریه بیشتر خصوصیت سیاسی داشتند و عقیده‌های پیگیران جریان سیاست اسلامی و حرکت دموکراسی ملی را بیان می‌کردند. در شکل و باطن خود هم نشریه‌های «پیام حق» و «رستاخیز» نه خصوصی و نه بیانگر عقاید و منافع یک شخص بودند و این حال هم با مسئله‌های سیاسی و هم اقتصادی و بازاری مرتبط بود.

پیش از آنکه به بررسی مسائل مطبوعات خصوصی پرداخته شود، توجه به نکته‌ای

مهم ضرور است که مربوط به فعالیت مطبوعات از خود بیگانه شده می‌باشد، یک سلسله از مقاله‌هایی است که باعث تحریک مردم و در نتیجه باز ماندن ساختمان نیروگاه راغون، کارگاه ژنراتورسازی کولاب گردید. نیروگاه راغون طبق برنامه باید سال ۱۹۹۰ و حداکثر تا سال ۱۹۹۲ دو فاز نخست را فعال می‌کرد. در باره خطر و ضرر نیروگاه مذکور در مطبوعات تاجیک و مطبوعات مرکز شوروی بررسی‌هایی درج شد. این کار انجام نیافت و اینک بعد ۱۸ سال چاره‌ای برای رفع نواقص پیدا نشده. تبلیغات واسطه‌های اخبار عموم در موضوع مذکور نه تنها اشتباه، بلکه اندیشه ضد ملی و ضدتاجیکستانی بوده است. اگر چنین است، بدون شک این تبلیغات سرمایه‌گذار خود را داشته است.

اکنون این امکان را داریم که ببینیم و درک کنیم در زمان گذرش و پس از آن، آیا مشی ما درست بوده یا خیر؟ ما واسطه‌های اخبار خود را کجا می‌خواستیم ببریم؟ با تقاضا و تأمین آزادی واسطه‌های اخبار، در نهایت امر به چه می‌خواستیم برسیم؟ چرا آنچه واسطه‌های اخبار شوروی داشت، نپسندیدیم و چه چیز بهتر از آن را انتظار داشتیم؟

ترس موجب گردید تا از اسکندر مقدونی به عنوان شاه عادل و شاه جهان تبلیغ کنند. بیهقی می‌گفت که تاریخ دو حقیقت دارد که یکی از آنها برای فریب مردم است. شرف‌الدین یزدی جهان‌گشایی تیمور را بخت مردم خوانده بود. لنینکن به دشمنانش آزادی سخن داده، اما با آنها قصد جنگیدن داشت. مارکس می‌خواست آزادی سخن را صرفاً به قشر کارگر و حزب آن بدهد. لنین هم با پیروی از او در باره مخالفانش می‌گفت: «در هر نقطه‌ای از جهان که سرمایه‌داری موجود باشد، آزادی مطبوعات با آزادی خریداری روزنامه‌ها، خریداری نویسندگان و خریداری و تهیه «نظر عموم» به منافع بورژوازی مساوی است». وی ضد همه گونه آزادی سخن در شرایط سرمایه‌داری بود. زیرا سرمایه‌دار نه تنها روزنامه و مجله، رادیو و تلویزیون و سایر وسایط اخبار عموم را می‌خرد، بلکه خود نیروی خلاقه و گروه‌های

کاری را خریداری می‌کرد. به مؤلف می‌گفت که تو صرفاً برای من کار می‌کنی. او بهترین استعدادهای را می‌خرید تا در باره‌ی وی حرف‌های خوبی زنند و از موقعیت او دفاع کنند و به نفع وی کار کنند. برایش حقوق بالا و تأمین معاش خوب تعیین می‌کرد. از او به عنوان وسیله‌ای برای جلب توجه افکار عمومی به سوی خود استفاده می‌کرد. صاحبکار، به عقیده‌ی لنین «مطبوعات سرمایه‌داری تجارتمی به میان می‌آورد». مطبوعات و دیگر واسطه‌های اخبار که به صاحبکاری و تجارت مشغول می‌شوند، در قید و بند همین سودا می‌مانند. برای تأمین ثروت صاحبشان مساعدت می‌کنند و در این راه حاضرند جان بدهند. این تلاش‌ها و سرسپردگی‌ها، مؤلف را نیز به خواجه‌ی او یعنی سرمایه‌دار شبیه می‌سازد. به فکر لنین «جاه‌طلبی سرمایه‌داری ادبی و ثروت‌اندوزی خواجهگان در شرایط بی‌حکومتی» بنیاد دیدگاه مؤلف را تشکیل می‌دهد. خودبینی و خودخواهی ذهن خلاقه، موجب پیدایش رقابت مؤلفان می‌گردد، نه مسابقه‌ی میان آنها. هر ادیب (روزنامه‌نگار، محقق، نویسنده) نشریه‌ای را هم سپر و هم سلاح خود در مقابل دیگران قرار داده و می‌کوشد حقیقت خود را از حقیقت دیگران بالا گذارد، برای دفاع از حقیقت خویش از هیچ وسیله‌ی بیان اعم از فحش و دشنام پرهیز نمی‌کند. هر وسیله‌ی اخبار دیداری، شنیداری و نوشتاری، شمار بیشتر مخاطبان خود را می‌خواهد جلب کند. در این مسابقه نشریه‌های رایگان هم پیدا می‌شوند و قهرمانان خود را از دزدها، فاحشه‌ها و قاتلان اصلی ترسیم می‌کنند. این مسابقه آداب جامعه را خراب می‌کند. همین طور فحش، عشق نام می‌گیرد.

چنین بود عقیده‌ی عالمان سیاست‌شناس که روزنامه‌نگاری جزئی از آن است، در باره‌ی روزنامه‌نگاری آزاد، و امروز خواننده امکان دارد خود قضاوت کند، زیرا تلویزیون دنیای امروز به فضای اطلاعاتی ما راه یافته و مطبوعات جهانی در دسترس تاجیکستانیان قرار دارد. اینترنت دسترسی ساده به اخبار را فراهم نموده است.

واسطه‌های اخبار تاجیکستان پس از زمان استقلال و در پی آن، تصویب سلسله قانون‌ها در باره واسطه‌های اخبار عموم، به جهان مطبوعات آزاد گام نهاد. پس آیا بایستی از آن فحش انتظار داشت؟ نظریه پردازان صرفاً با اشاره به جهت‌های منفی آن، از جنبه‌های مثبت مطبوعات آزاد صرف نظر کرده‌اند، حال آنکه بارزترین ویژگی آن تأمین آزادی بیان است. اگر از ویژگی مذکور به گونه عاقلانه استفاده شود، می‌تواند عامل پیشرفت کلی گردد. زیرا سخن ناگفته عقده است و سخن گفته شده دوی امراض و رنج‌ها.

رقابت واسطه‌های اخبار آزاد موجب بهتر گردیدن کیفیت آنها می‌گردد. زمان آزادی برای ما در این بخش چه آورد؟

نخست امکان طبع و نشر مستقل شخصی را فراهم آورد. در فضای اطلاعاتی آزاد و قانونی، این شکل نشریات حاوی فکر دیگر، سخن دیگر و دیدگاه دیگر هستند که برای تنوع نظر عموم مهم است.

رشد وسایل ارتباط همگانی خصوصی در تاجیکستان طی بیست سال اخیر چند مرحله را پس سر گذاشته است. اولین نشریه شخصی تاجیکی مجله ادبی «مژده»، بیرون از قلمرو تاجیکستان، به خط نیاکان چاپ شد که مؤسس آن اسکندر ختلانی بود. این نشریه حرفی از سیاست یا تجارت نداشت و بیشتر هدف آن تبلیغ ادبیات گذشته و معاصر بود. اما اولین نشریه‌های خصوصی در داخل کشور مثل «چراغ روز» (داداجان عطاالله‌اف)، «تاجیکستان» (نصرالله اسدالله‌اف)، «نوید بازرگانی» (نورمحمد تبراف)، هدف تجارتي نداشتند، بلکه بیشتر سیاسی و اجتماعی بوده، به انعکاس و تحلیل حوادث روز می‌پرداختند. وضع آن روزگار یعنی مخالفت‌های سیاسی، مبارزه برای حاکمیت، همان وسیله اخبار را می‌پسندید که از این یا آن گروه جانبداری می‌کرد و در مقابل نشریات رسمی و دولتی صدا بلند کند. اگر کسی برای نشریات خود یا نشریات دیگران سرمایه‌گذاری می‌کرد، عمل او از اصل

مذکور برمی‌خاست. اگر «چراغ روز» یا «نوید بازرگانی» غیر از این عمل می‌کردند، به دریافت هیچ کمکی از هیچ کسی موفق نمی‌شدند و ناشران آنها نیز افرادی بودند که سخنی برای گفتن داشتند، خواهش گفتن نیز داشتند و می‌توانستند بگویند و به همین منظور دست به کار مطبوعات شدند. اما این نکته که آنها کدام راهها را پیش گرفتند و این راهها از منافع کدام یک از نیروهای سیاسی دفاع می‌کردند، موضوع بحث تاریخ روزنامه‌نگاری است نه موضوع این مقاله.

نگارنده با ذکر حالت و مقصد پیدایش این نشریه‌ها از نظریه‌ای یادآوری کردم که سال ۱۹۴۰ عالمان امریکایی مطرح نمودند و آن این است که آزادی مطبوعات همان است که هر کسی سخنی برای گفتن دارد، باید از حقوق و امکان نشر آن برخوردار باشد. مطبوعات خصوصی ما در چنین شرایطی به وجود آمدند و چون دارای ویژگی سیاسی بودند، با سر کار آمدن حکومت نو یا متوقف گردیدند (مصوبه دادگاه عالی تاجیکستان، مورخ ماه ژوئن ۱۹۹۳) و یا بیرون از تاجیکستان به انتشار خود ادامه دادند.

تا اینجا را می‌توان به عنوان نخستین دوره نشریات خصوصی تاجیکستان در زمان استقلال به شمار آورد. دوره دوم آن به نیمه دوم سالهای ۹۰ یعنی به زمانی که اوضاع اجتماعی و سیاسی تاجیکستان نسبتاً آرام گردید، موافق می‌آید. آغاز دوره مذکور بیشتر همراه با فعالیت رادیو و تلویزیون شخصی می‌باشد. شبکه‌های تلویزیونی که در شهرها و شهرستان‌های استروشن، پنجکنت، کان بادم، خجند، واسع، کولاب، قرغان‌تپه، تورسون‌زاده و دوشنبه، و شبکه‌های رادیویی که در خجند تشکیل شدند، دارای ویژگی فرهنگی و تجارتي بودند. بدون تردید سودی که آنها از این تجارت داشتند، خیلی ناچیز بود اما به عنوان نمونه‌های واسطه‌های اخبار عمومی خصوصی که هدف تجارت داشتند، معرفی شدند.

در این زمینه دو چیز را ذکر کردن می‌خواستم. گمان کردن که تجارت برای

مطبوعات شوروی خاص نبود، درست نیست. همه مطبوعات شوروی اعلان داشت؛ اعلان برنامه‌های رادیو و تلویزیون، اعلان قبول دانشگاه‌ها و مکتب‌های میانه مخصوص، اعلان اسناد گم‌شده، تعزیه و امثال این. اما این اعلانها در مثال مالکیت یگانه کشور تنظیم می‌شدند و اعلان‌های شخصی با قیمت خیلی ناچیز چاپ می‌شدند. هیئت تحریریه اعلان را از آن خود حساب نمی‌کرد و آنها بعد از امضای محرر جای داده می‌شدند.

دیگر تلویزیون خصوصی محلی هنوز خصلت کامل وسایط اخبار عموم خصوصی را نداشتند، آنها عادتاً چون مال مشترک یک کس و حکومت‌های محلی تأسیس می‌یافتند. درآمد مالی آنها از اعلانها، تبریک زادروزها، تعزیه‌ها، نشان دادن جشنها حاصل می‌شد. از جهت هنری آنها در پایه‌های نهایت پایین قرار داشتند. البته تلویزیون‌هایی بودند چون تلویزیون کارخانه پخته (پنبه) ناحیه واسع که به سبب احتیاجات اجتماعی مؤسسان، به مسئله‌های اجتماعی و اقتصادی هم جدی‌تر مشغول می‌شدند و سیمای خوب حرفه‌ای داشتند.

اولین تلویزیون و رادیوهای خصوصی، هم از نگاه موضوع و محتوا و هم از نظر استفاده از مطالب هنری کاملاً خصوصیت محلی داشتند.

در همین دوره دوم، مطبوعات شخصی خصوصیت عمومی داشته نیز پیدا شدند که به عنوان نمونه، هفته‌نامه‌های «چرخ گردون»، «جنبش»، «بیزنس ای پولیتیکا» را نام بردن لازم است. صاحبان این نشریه‌ها؛ اکبر ستار، حکیم محبت‌اف و نادیزدا پاک بودند. مطبوعات شخصی از رادیو و تلویزیون شخصی به کلی فرق می‌کرد. از آنها تنها «بیزنس ای پولیتیکا» (= تجارت و سیاست) از اعلانها استفاده می‌برد و تبلیغات سودمندی داشت. اما نشر هفته‌نامه مذکور در این مرحله بیشتر به بررسی حیات اجتماعی و سیاسی و مسایل آن می‌پرداخت و کمتر اهداف تجارتي را دنبال می‌کرد. شمار خوانندگان نشریه مذکور در این دوره زیاد بود، زیرا تحلیل‌ها و بررسی‌های جدی برای خواننده پیشنهاد می‌نمود.

نشریه خصوصی «جنبش» اصولاً نشریه‌ای سیاسی و از تجارت به دور بود و برای تأسیس یک حزب سیاسی، برای اتحاد نیروهای مخالف، صرف نظر از موقعیت سیاسی آنها (از حزب کمونیست تاجیکستان تا حزب نهضت اسلامی تاجیکستان) تلاش می‌کرد. هدف اصلی این تلاش‌ها دست یافتن به شرکت نیروهای مخالف در انتخابات پارلمان بود. یک جهت جالب توجه در فعالیت این جریده، رعایت آداب تألیف و پرهیز از قباحت‌گویی بود.

نشریه «چرخ گردون»، روزنامه‌ای بود برای خواننده‌های تاجیک‌زبان اعم از مرد و زن و صغیر و کبیر. نشریه مذکور سیاسی نبود و هدف آن اشترک همه، گرفته از فقیران و دردمندان، محتاجان و اغنیا و غیره بود. در دوره پس از جنگ، این روش بهترین راه برای رسیدن به دلها بود که نشریه «چرخ گردون» تجارت خود را از این طریق انجام می‌داد. به این نشریه هم دینداران و هم علاقه‌مندان هنر نیازمند بودند. اکبر ستار همین روش فعالیت را در دیگر نشریه‌های خویش نیز به کار گرفت.

قرن ۲۱ در سیستم رسانه‌های خصوصی تحول جدی به بار آورد و اولین رسانه‌های خصوصی را به سیستم ویژه منظم تبدیل کرد و دورنمای فعالیت آنها را، هم از لحاظ اجتماعی و سیاسی و هم از لحاظ تجارتي، تعیین نمود. وضع مطبوعات خصوصی تاجیکی در قرن ۲۱ در مرحله‌های سوم و چهارم رشد قرار داشته، مرحله سوم تا پاییز سال ۲۰۰۴ ادامه داشت. مجله‌های «دریا» (سعادت صفراوا)، «استقبال» (لظافت کینجه‌یوا)، «گفتگو» (زلفیه عطاالله‌اوا)، هفته‌نامه و رادیوی «آسیا پلوس» (امید باباخان‌اف)، هفته‌نامه «روز نو» (رجب میرزا)، نشریه‌های تخصصی «عایله»، «مرد و زن»، «نیروی سخن» را باید ذکر نمود. از میان نشریات مذکور، مجله «استقبال» بیشتر دارای خصوصیات یک مجموعه ادبی است که برای ترویج ادبیات می‌کوشد. در حالی که سعادت صفراوا از اولین و به فکر از آخرین ناشران امروز تاجیک است که خواسته از مسایل تاجیکستان برای بیرونی‌ها بازگو کند. تعیین میزان

دستاوردهای مجله او موضوعی دیگر است اما باید گفت که چنین اقدامی، قابل توجه و ارزشمند است. مجله «گفتگو» به مجله بانوان کشور تبدیل گردیده است.

امید باباخاناف نه تنها ژورنالیست صاحب استعداد و دانشمند، بلکه مدیر خوب و بالیافتی نیز هست. هفته نامه او «آسیا پلوس» در دوره اول رشد رسانه های تاجیک از مهمترین نشریه هایی بود که به بررسی جدی مسایل اجتماعی و سیاسی می پرداخت و تحلیل های عمیقی ارائه می داد. اگرچه امروز نیز فعالیت آن روش مذکور را دنبال می کند، اما در نشریه هدفهای تبلیغی و تجارتي برتری پیدا نموده، از جمله تبلیغ که حدود ۴۰ درصد حجم نشریه را اشغال نموده است و می توان برداشت نمود که هدف نشریه تغییر کرده است. رادیوی «آسیا پلوس» ضمن ویژگی تربیت و ارشاد جوانان، از روش عوام گرایی و تجارتي بهره می برد. «آسیا پلوس» در آغاز قرن برای تأسیس تلویزیون نیز کوشش داشت، ولی به نتیجه ای نرسید. از فعالیت نشریه «روز نو» باید به عنوان پایان مرحله سوم ذکر نمود. هفته نامه رجب میرزا اهداف اجتماعی و سیاسی داشته از آخرین نمونه نشریه سیاسی شخصی در تاجیکستان معاصر می باشد.

مرحله چهارم که دوره آرام رشد واسطه های اخبار عموم در تاجیکستان است، از سال ۲۰۰۵ آغاز گردیده که تا حال ادامه دارد. در مرحله مذکور به نظر می رسد که جامعه و قشرها و نیروهای گوناگون آن سرنوشت را قبول دارند و یا امکان دیگری را نمی گویند. در این دوره رسانه ها بیشتر خصوصیت اخباری و تجاری پیدا کردند. مسابقه میان رسانه ها اساساً برای بهتر نمودن اوضاع مادی خواجهگان آنها است و برای تبلیغ جدی رقابت و تلاش فراوان به خرج داده می شود. صاحبان تبلیغات جدی اساساً سازمانها و نهادهای کشورهای خارجی غالباً اروپایی و بنیادهای بین المللی می باشند. میان نشریه های خصوصی برای نزدیک شدن با نهادهای مذکور دریافت فرمایشات تبلیغی از آنها، استفاده از امتیازات مادی و معنوی آنها مثل شرکت

در آزمون‌های آنها، انجام مسافرت‌های اطلاعاتی و فرهنگی با پوشش آنها و غیره رقابت به وجود می‌آید. برخورداری از امتیازهای ذکرشده موجب افزایش نشریه‌های روسی‌زبان نیز گردیده است، زیرا تا امروز در مدت حدود بیست سال، سازمان‌های بین‌المللی و خارجی تاجیکستان اعتراف نکرده‌اند که در کشور ما باید با استفاده از کارگزارها و مترجمان تاجیک کار کنند. منظور از «تبلیغ جدی»، تبلیغی است که از آن بتوان پول بهتری گرفت. مطبوعات خصوصی تاجیکی نیز اگرچه کمتر، ولی از این تبلیغات و امتیازات استفاده می‌کنند. در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۶ از مرحله چهارم، نشریاتی تأسیس شدند که بیشتر به بررسی اوضاع اجتماعی توجه می‌کنند. در میان آنها «ملت»، «نگاه»، «فرز» «کامینتاری فاکتی» (به زبان روسی) که عدالت میرزا، د. سیم‌الدین، ظفر عبدالله‌اف و خورشید عطاالله تأسیس نموده‌اند، از موقعیت ویژه برخوردار می‌باشند. هفته‌نامه روسی «کامینتاری فاکتی» حاوی چند درصدی تبلیغات است، در حالی که هفته‌نامه «فرز» کاملاً از آن استفاده نمی‌کند. هفته‌نامه‌های ذکرشده تاجیکی به محیط اجتماعی و فرهنگی جمهوری توجه ویژه دارند. در بررسی جدی‌تر مسایل مهم اقتصادی می‌توان از نشریات «نگاه» و «فرز» نام برد. مثلاً ماه ژانویه سال ۲۰۰۸ نشریه «نگاه» چند گوشه و صفحه‌اش را خالی، تنها با قلم‌نویس «برق نیست» چاپ کرد و بدین منوال وضع امروزه کشور را نشان داد و محکوم کرد. این حال نشریه «جوانان تاجیکستان» زمان فروپاشی اتحاد شوروی را به یاد می‌آورد که آن وقت چنین حال چون گناه سانسور معنیداد کرده می‌شد. نشریه «ملت» بیشتر پیرامون مسئله ملی و هویت ملی بحث و اندیشه‌رانی می‌کند. از روزنامه‌نگاران امروز مطبوعات شخصی، نورعلی دولت «نگاه» و خورشید عطاالله «فرز» با جدیت به تحلیل تاریخ نه چندان دور و اشخاص آنها مشغولند و مطالب تحقیقی و خواندنی آنها به تأثیرناکی نشریه‌هایشان و نفوذ آنها تأثیر مثبت دارد. البته از نگاه تحقیق تاریخ ژورنالیستی هنوز زود است که در باره این نوشته‌ها

داوری کرد. ذکر همین نکته کافی است که آنها برای باز نمودن قفل تاریخ لازم می‌شوند. در دوره چهارم رادیوهای خصوصی «رادئوی وطن»، «روسکای رادیو آریانا» نیز به وجود آمدند و خصوصیت اطلاعاتی فرهنگی و تجارتي دارند. ذکر کردن لازم است که بخش هنری این رادیوها و رادئوی «آسیا پلوس» به فرهنگ و هنر ملی ما کمتر تکیه می‌کنند، گاه خطر احساس می‌شود که آیا آنها به جوانان تأثیر منفی نرسانند. وقتی فضای اطلاعاتی یکنواخت شد، جامعه به قبرستان مانند می‌گردد، فاجعه شوروی در همین بود که برای رهایی از یکنواختی، در جستجوی دیگر منبع‌ها بودند و آن منبع‌ها مثل سیلاب به سر مردم ریختند. اگر فرآورد دوره سوم همراه با از بین رفتن روزنامه سیاسی شخصی «روز نو» باشد، پس نتیجه‌گیری از وضع روز دوره چهارم با تأسیس شبکه شخصی تلویزیونی «سیمای مستقل تاجیکستان» (زینت‌الله اسماعیل‌اف) حاصل می‌شود که از جریان‌های اجتماعی، فرهنگی و اطلاعاتی برخوردار است.

در خصوص مطبوعات خصوصی قرن ۲۱ دو نکته قابل ذکر می‌باشد، یکی نشر مجله «جهان ما» است که معطره جوهره‌اوا چهار شماره از آن را به طبع رسانید و اساساً به طور رایگان پخش نمود. این نشریه، مجله‌ای بازاری است که به بازرگانان ضرر آورد. روشن است که اگر در تاجیکستان نیاز به چنین نشریه‌ای هم باشد، قیمت آن برای خریدار گران است. این مجله با ویرایش خوب، طراحی و کیفیت بالا بیشتر دارایی را تبلیغ می‌کند. نشریاتی از این دسته در جهان توسط سرویس هواپیمایی، مهمانخانه‌ها، بزرگترین سالن‌های مُد، بزرگترین محفل‌ها و همایش‌های هنری توزیع می‌گردد. به موجب این که در کشور ما هنوز راه‌اندازی سرویس‌های مشابه در سطح استاندارد موجود نمی‌باشند، طبع و نشر مجله مذکور نیز در نیمه‌راه مانده است.

دیگر از ظهورات واسطه‌های اخبار بازرگانی، به وجود آمدن به اصطلاح روزنامه‌هایی

می‌باشند که حاوی جدول، اعلان و تبلیغ، لطیفه و مطالب معمول علمی یا نیمه‌علمی می‌باشند. این نوع موضوعها خاص همه گونه وسایط اخبار عموم هستند. آنها خصوصیت تفریحی دارند و این جهت برای رسانه‌ها بیگانه نیست، یعنی هر روزنامه، مجله، شبکه تلویزیون و یا رادیو در کنار وظیفه اطلاع‌رسانی و تبلیغ و تشویق، از طریق برنامه‌های هنری و ادبی و فرهنگی وظیفه اسباب تفریح را نیز به عهده دارند. اما به عنوان روزنامه‌نگاری و یا وسیله اخبار عموم پذیرفتن آن ظهوراتی که پیرامونش سخن رفت، به نظر شبهه برانگیز می‌نماید. هدف اولیه وسیله اخبار عموم اطلاع‌رسانی می‌باشد. اطلاعات باید از تازه‌ترین و آخرین خبرها عبارت و از اهمیت اجتماعی برخوردار باشد. اگر خبر تنها برای یک نفر دارای اهمیت باشد و به هیچ کس و هیچ چیز دیگر مؤثر نباشد، آن را در رسانه‌ها درج نمودن از اهمیتی برخوردار نیست. رسانه‌ها نه به این منظور ساخته می‌شوند. به همین موجب هفته‌نامه‌هایی که صرفاً از جدول‌ها و تبلیغات تهیه گردیده‌اند، نمی‌توانند واسطه اخبار عموم باشند، بلکه آنها خصوصیت تجاری دارند و به فضای اطلاعاتی چیزی نمی‌افزایند؛ یعنی از نبودن آنها فضای اطلاعاتی لطمه‌ای نمی‌خورد.

وارد نمودن شماری دیگر از نشریه‌هایی که مثلاً حاوی لطیفه‌ها و یا نظر و مصلحت پزشکی می‌باشند، به فضای اطلاعاتی نیز چندان درست نیست. درست است که این دسته از نشریه‌ها دارای اطلاعاتی هستند، اما اطلاعات ادبی و یا علمی است که خصوصیت خبر روز را ندارند. از این که مطالب نشریات مذکور امروز یا فردا، این هفته یا هفته دیگر، این ماه یا ماه دیگر، امسال یا سال دیگر انتشار می‌گردد، چیزی تغییر نمی‌یابد. پس نشریاتی از این قبیل واسطه‌های اخبار عموم نیستند. ولی باید گفت که در مطبوعات خصوصی امروز تاجیکستان نمونه‌هایی از این دست موجودند.

واسطه‌های اخبار خصوصی با در نظر داشت اهداف آنها به بخشی از فرهنگ روز تبدیل یافته‌اند. مردم آنها را می‌خوانند، می‌فهمند و به آنها علاقه دارند. به طور کلی واسطه‌های

اخبار عموم در همه بخش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بیش و کم مؤثرند. آنها از بیکاری و جستجوی کار، گرانی قیمت‌ها و بی‌برقی هم می‌نویسند، از ماهیت دولرداری نیز می‌خواهند آگاه باشند. اما بیشتر مسایل ذیل را به عنوان موضوع‌های عمده برای خود انتخاب می‌کنند: ماجرای خانواده، وظیفه، پول، دادگاه، فساد اخلاق، اتهام بی‌اساس، قهرمان‌بافی‌ها و قهرمان‌سازی‌ها از شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی دور و نزدیک، زندگی شخصی اهل هنر و غیره. این نوع نشریه‌ها به مطالب بافته قصه‌مانند، عاری از نام و مکان، به کثرت روی می‌آورند. این گونه موضوعها و قصه‌ها را که در مطبوعات تاجیک رواج پیدا کرده‌اند، عالمان و سیاستمداران قصه‌های کوچک نامیده‌اند.

مطبوعات، رادیو و تلویزیون شخصی مالکیت خصوصی‌اند و صاحب آنها از حقوقی برخوردار است که در چهارچوب قانون هر مطلب و نظر از دیدگاه او پسند را درج و تبلیغ نماید. اما این شکل نگارش باید برای وحدت ملت، امنیت دولت، حفظ اخلاق نیز مساعدت نماید. این مشکل، در درک و فهم زبان نوشتاری تاجیکی نیز مشکلات فراوان به بار می‌آورد. با این حال در رسانه‌های خصوصی روز می‌توان سه سبک نگارش را تشخیص داد:

- سخن به زبان کتابی تاجیکی به اصطلاح زبان فارسی ماوراءالنهری که حامل و پایه زبان فارسی است؛

- با گویش فارسی جمهوری اسلامی ایران؛

- رادیوهای «آزادی» و «بی‌بی‌سی» که حالت امروزه زبانمان را در ایران بازگو می‌کنند و در تقلید و با استفاده از کلمه‌های رایج در محلهای گوناگون تاجیکستان که خاص گویش محلی است نه زبان کتابی.

به اندیشه نگارنده وظیفه رسانه‌های هر کشور در آن است که با به کار گرفتن از

زبان رسمی کتابی کشور خود برای تبلیغ آن مساعدت کنند.